

فصل‌های ناگفته تاریخ

وقتی هیتلر کوکائین می‌زد
و
مغز لنین جابه‌جا می‌شد

جایلز میلتنون

ترجمه پریسا مرتضوی



چرنج

سرشناسه: میلتون، جایلز، ۱۹۶۶ - م. Milton, Giles

عنوان و نام پدیدآور: فصل‌های ناگفته تاریخ: وقتی هیتلر کوکائین می‌زد

و مغز لنین جابه‌جا می‌شد/ جایلز میلتون؛ ترجمه پریسا مرتضوی

مشخصات نشر: تهران، چترنگ، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۳۹-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: When Hitler Took Cocaine and

Lenin Lost His Brain: History's Unknown Chapters

موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: مرتضوی، پریسا، ۱۳۶۵ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PZ ۳

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۰۵۸۲۱



چترنگ

وقتی هیتلر کوکائین می‌زد و مغز لنین جابه‌جا می‌شد • جایلز میلتون • ترجمه پریسا مرتضوی

• ویرایش و نمونه‌خوانی: گروه ویرایش نشر چترنگ • نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸ • ۱۰۰۰ نسخه • لیتوگرافی:

باران • کلیه حقوق برای نشر چترنگ محفوظ است. • نشر چترنگ: تهران، خیابان نصرت، بین کارگر شمالی

و جمالزاده، پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد چهار • کد پستی: ۱۴۱۸۸۴۳۳۵۵ • تلفن: ۶۶۱۲۶۸۰۵ • شابک:



chatrangpublication • www.chatrangpub.com • ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۳۹-۲

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	کتاب اول: وقتی هیتلر کوهانین می زد
۱۵	بخش ۱: آنچه در مورد هیتلر نمی دانستیم
۱۷	۱. دوست دختر انگلیسی هیتلر
۲۱	۲. برادرزاده آمریکایی هیتلر
۲۵	۳. وقتی هیتلر کوهانین می زد
۲۹	بخش ۲: خدای من، هوا چه سرد است!
۳۱	۴. جسد روی اورست
۳۷	۵. مست و پاتیل در تایتانیک
۴۱	۶. مردی که زنده زنده دفن شد
۴۵	بخش ۳: جهنم در ژاپن
۴۷	۷. هیرو اونودا تا پای جان می جنگد
۵۱	۸. خلبان از جان گذشته ای که زنده ماند
۵۵	۹. نجات از هیروشیما و ناگازاکی
۵۹	بخش ۴: زنانی با لباس مبدل
۶۱	۱۰. معمای پیچیده آگاتا کریستی

- ۶۵ ۱۱. جنگجویی تا دندان مسلح
- ۶۹ ۱۲. مأموریتی در دل خطر
- ۷۳ بخش ۵: بهترین دوست آدمیزاد
- ۷۵ ۱۳. اسب جنگی واقعی
- ۷۹ ۱۴. قهرمانی که پرواز می‌کرد
- ۸۳ ۱۵. سگی که گروهبان شد
- ۸۷ بخش ۶: گناهکار هستی، مگر اینکه خلافتش ثابت شود
- ۸۹ ۱۶. فرشته مرگ
- ۹۳ ۱۷. کسی راسپوتین را کشت؟
- ۹۷ ۱۸. تا آخر هنرمند که مرگ جدایمان کند...
- ۱۰۱ بخش ۷: ماجراجویان بزرگ
- ۱۰۳ ۱۹. بالون سرری، قطب شمال
- ۱۰۷ ۲۰. فرار از آلکارات
- ۱۱۱ ۲۱. گمشده در آند
- ۱۱۵ بخش ۸: من یک آدم مشهورم
- ۱۱۷ ۲۲. اولین باری که بچه یک آدم مرده دیده شد
- ۱۲۱ ۲۳. میرعثمان، سلطان حیدرآباد
- ۱۲۵ ۲۴. مرگ عجیب آلفرد لوونشتاین
- ۱۲۹ بخش ۹: اجاق کور
- ۱۳۱ ۲۵. آخرین خواجه چین
- ۱۳۵ کتاب دوم: وقتی مغز لنین جابه‌جا می‌شد
- ۱۳۷ بخش ۱: وقتی مغز لنین جابه‌جا می‌شد
- ۱۳۹ ۱. وقتی مغز لنین جابه‌جا می‌شد
- ۱۴۳ ۲. در خانه میمون‌ها
- ۱۴۷ ۳. نمایشگاه آدم‌های عجیب‌الخلقه

۱۵۱	بخش ۲: بخت برگشته‌ها
۱۵۳	۴. موج‌های عظیم
۱۵۹	۵. بمب بالونی مرگبار ژاپن
۱۶۵	۶. هرگز به دریا نرو
۱۶۹	بخش ۳: نه‌چندان عادی
۱۷۱	۷. رقه بان ایفل
۱۷۵	۸. امپراطور ایالات متحده
۱۷۹	۹. مردم که همسرش را خرید
۱۸۵	بخش ۴: پیش‌ای من هیتلر
۱۸۷	۱۰. آخرین تیرها: هیتلر
۱۹۱	۱۱. دستگیری آلمان
۱۹۵	۱۲. جلاد آدم‌های شهور
۱۹۹	بخش ۵: مرا از اینجا بپريد
۲۰۱	۱۳. زندانی کوه یخی
۲۰۵	۱۴. آشفشان مرگ
۲۰۹	۱۵. یک رایینسون کروزونۀ مؤنث
۲۱۳	بخش ۶: وای، چه جنگی!
۲۱۵	۱۶. آخرین جنگ
۲۱۹	۱۷. رفت و برگشت به جهنم
۲۲۱	۱۸. بیایید زرگری حرف بزنیم
۲۲۷	بخش ۷: قاف مثل قتل
۲۲۹	۱۹. کشتی خوب زونگ
۲۳۳	۲۰. شک بازرس دو
۲۳۷	۲۱. وقتی دودوها ریق رحمت را سر می‌کشند
۲۴۱	بخش ۸: فرار بزرگ
۲۴۳	۲۲. پایان ناامیدکننده

- ۲۴۷ ۲۳. و بعد هیچ کدام نبودند
- ۲۵۱ ۲۴. کابوس ادوین دارلینگ
- ۲۵۷ بخش ۹: یک پایان تلخ
- ۲۵۹ ۲۵. هرگز با چاقو به بستر نرو

www.ketab.ir

مقدمه

در تابستان ۲۰۱۲، اسناد پزشکی جالبی در آمریکا پیدا شد که سوابق کاری دکتر تئودور مورل^۱، پزشک شخصی آلف هیتلر، به همراه یادداشت‌های چهار پزشک دیگری که پیشوا را مداوا می‌کردند، در میان آن‌ها، چشم می‌خورد.

در نگاه اول به نظر می‌رسید این اسناد نه تنها زباله‌هایی تاریخی هستند که باید آن‌ها را به انبوه مطالبی که پیش از این در مورد هیتلر وجود داشت بسپریم، اما در میان زباله‌ها هم گاهی براده‌هایی از طلا کشف می‌شود. این اسناد شخصی، زباله‌ها در تاریخ گشودند. معلوم شد که برای پیشوا ملغمه‌ای از داروها تجویز می‌شد؛ دروهایی چه کوکائین، آمفتامین و تستوسترون. او روزانه چیزی حدود هشتاد نوع دارو مصرف می‌کرد. همین احوال دست به کار طرح‌ریزی فتح جهان می‌شد.

من بیشتر زندگی کاری‌ام را در میان آرشیوها گذرانده‌ام و نامه‌ها و یادداشت‌های شخصی، همچون نوشته‌های دکتر مورل، را زیر و رو کرده‌ام. مجموعه عظیمی که در آرشیو ملی بریتانیا نگهداری می‌شود فهرست‌بندی ناقصی دارد (آرشیو ملی واقع در واشنگتن دی‌سی تا حدودی وضع بهتری دارد) و وقتی جعبه‌ای از اسناد را باز می‌کنید هرگز نمی‌توانید کاملاً مطمئن باشید با چه چیزهایی مواجه خواهید شد. گاهی روزها

می‌گذرد و هیچ چیز دندان‌گیر و جالبی دستم را نمی‌گیرد. خودم را به جویندگان گنج در کارولینای شمالی تشبیه می‌کنم؛ کسانی که همه‌جا را در جست‌وجوی سکه‌ای قدیمی یا انگشتری قیمتی و جبه‌به‌جبه می‌گردند.

پیگیری عموماً ثمربخش است و این کتاب — مجموعه‌ای از فصل‌های ناگفته تاریخ — نتیجه جست‌وجوی استعاری من به دنبال گنج است. امیدوارم توانسته باشم سنگ‌های معانی را تراشم و از میان آن‌ها الماس‌های درخشانی بیرون بکشم؛ داستان‌هایی مثل مربان ژاپنی که یک‌تنه تا سال ۱۹۷۴ هنوز در جنگ جهانی دوم می‌جنگید، مأمور آدم‌کش بریتانیا، که راسپوتین^۱ را ترور کرد (این داستان هم مثل داستان دکتر مورل به تازگی کتاب شده است) و داستان کشتی شکستگان هلندی که تا آخرین دود را خوردند و نسل این پرده‌براندازان تند.

بعضی از داستان‌ها چشم‌خوانندگانشان را باز می‌کنند. ماجرای سان یا آتینگ^۲، آخرین خواجه چین، دربارک و زخم‌انگیز است. این داستان گوشه‌ای از سال‌های پایانی امپراطوری چین را به تصویر می‌کشد؛ و تپه‌هایی که طی قرن‌ها پا گرفته بودند در یک چشم بر هم زدن کنار گذاشته شدند. افسوس، سان یا آتینگ در برهه‌ای از تاریخ زندگی کرد که به آن تعلق نداشت.

من همواره معتقد بودم که برای ثبت سرگذشت گذشته‌ها، توجه به جزئیات تاریخی حیاتی است. جزئیات می‌توانند وقایع را روشن‌تر کنند؛ تلاش سواس‌گونه دانشمندان شوروی برای یافتن ریشه‌های «نبوغ» در مغز لنین از همین دست است. این ماجرا چیزهای زیادی را در مورد علم عصب‌شناسی در دهه ۱۹۲۰ آشکارا می‌کند. — دانشی که در آن زمان دوران کودکی‌اش را پشت سر می‌گذاشت — و همچنین یکی از اولین مصادیق

۱. Grigori Rasputin؛ او بین سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵، وارد سن پترزبورگ شد و در آنجا با خانواده تزار نیکلاس دوم ملاقات کرد. طولی نکشید که شهرت راسپوتین، در مقام شفادهنده‌ای جادویی، پای او را به دربار باز کرد؛ جایی که الکسی، پسر جوان تزار، از بیماری هموفیلی رنج می‌برد. راسپوتین با زمزمه کردن اورادی باعث شد او بهبود یابد. از آن پس راسپوتین نورچشمی تزارینای روسیه شد و به دستور ملکه هر زمان که مایل بود می‌توانست به دربار رفت‌وآمد کند. تزار هم با وساطت همسرش به پیشنهادهای راسپوتین درباره امور مملکت اعتماد می‌کرد. همچنان که نفوذ راسپوتین بیشتر و بیشتر می‌شد، نگرانی درباریان نیز افزایش می‌یافت. تا اینکه اواسط دسامبر ۱۹۱۶، شاهزاده یوسوپوف او را به خانه‌اش دعوت کرد و پس از آن دیگر کسی او را ندید.

2. Sun Yaoting

پدیده کیش شخصیت^۱ را در اتحاد جماهیر شوروی به تصویر می کشد.

بسیاری از داستان های این مجموعه در مورد افراد اغلب عادی ای است که ناگهان خودشان را وسط ماجراهایی بسیار غیرعادی می یابند؛ ماجراهایی که گاهی تبدیل به اتفاق های مهم تاریخی می شوند: تسوتومو یا ماگوچی^۲ که از انفجار بمب هسته ای در هیروشیما و ناگازاکی جان سالم به در برد، یکی از آنهاست. کسانی که بدون آنکه بخواهند در فاجعه ای گرفتار شده اند: کسی مثل چارلز جوگین^۳، که از در هم شکستن کثی عنیم تایتانیک نجات پیدا کرد، حالا دیگر داستان شگفت انگیزی برای تعریف کردن داشت.

داستان های آمرهایی را درباره خودمان بر ما آشکار می کنند. من اغلب به این فکر می کنم که اگر به مردم ایران و زنانی بودم که داستان هایشان در این مجموعه روایت شده، چه می کردم. آیا می توانستم مثل والتر هریس^۴، خبرنگار روزنامه تایمز، با خونسردی از چنگ راهزنانی که اسیرم کرده بودند بگریزم؟ شک دارم.

این روزها بعید به نظر می رسد که کسی را مثل اوتا بنگاه^۵ در باغ وحش به نمایش بگذارند یا کسی مثل آگوستین کورتولد زند رنده دفن شود، اما هر اتفاقی می تواند برای هرکسی بیفتد؛ کسی چه می داند، شاید شما هم روی خودتان را وسط ماجرای پیدا کنید که تاریخ ساز باشد.

جایلز میلتن، لندن

ژانویه ۲۰۱۶

۱. Cult of Personality: پدیده ای که در آن با استفاده از رسانه های گروهی و تبلیغات به یک شخص وجهه آرمانی و قهرمانانه ای می دهند.

2. Tsutomu Yamaguchi

3. Charles Joughin

4. Walter Harris

5. Ota Benga

6. Augustine Courtauld